

پرویز کا علوم انسانی و طبقات درسی

رسالہ جامع علوم انسانی

سرمقالہ

● ممانعت طالبان از برپائی جشن نوروز/دکتر پرویز ورجاوند



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

برپائی جشن نوروز در افغانستان

این نوشته را سال پیش نوشتم تا آن را برای چاپ در کِلک به دست مرد سخت‌کوش عرصه فعالیت‌های فرهنگی ایران، آقای دهباشی برسانم. ولی از بخت بد، بیماری شدید آسم آن عزیز و فشارهای چندجانبه روحی او را سخت با بیماری و ناراحتی‌ها درگیر ساخته بود و امکان آن به دست نیامد تا به هنگام نوشته را به دست ایشان برسانم. چون آن را برای کِلک نوشته بودم درنهم آمد که در جای دیگر به چاپ برسانم. بعد از حدود یکسال اگر اشتباه نکنم روز اول اسفند صدای خسته و گرفته دهباشی پرتلاش را شنیدم و چند دقیقه‌ای با هم گپی زدیم. از جمله گفتم مقاله سال پیش را اگر بخواهید برایتان می‌فرستم چون هیچ چیز در آن سامان به گونه‌ای تغییر نیافته تا نیازی به ایجاد اصلاح در آن نوشته باشد. با گشاده‌روئی استقبال کرد و در حالی که مجله را برای چاپ روانه چاپخانه ساخته بود از من خواست تا طی یکی دو روز آن را برایش بفرستم. امید که در سال نو بزdan پاک به این مرد کوشنده سلامتی عنایت فرمایید، باشد که به زودی بخارای او در سراسر بهنه گسترده حوزه فرهنگ ایران و جای جای ورارود خراسان بزرگ پیام‌آور وحدت و دوستی و همدلی باشندگان این حوزه فرهنگی دیرپا و پرتوان باشد.

دکتر پرویز ورجاوند

پنجم اسفند ۱۳۷۷

بامداد روز اول سال نو، نخستین تلفن از سوی یکی از دیپلماتهای سفارت افغانستان بود. ایشان با صفای فراوان شروع سال نو را شادباش گفتند و در پاسخ بعد از سپاسگزاری آرزو کردم که جنگ و خونریزی در آن سرزمین مردخیز در سال نو پایان بگیرد و سیاهی‌ها جای خود را به روشنائی بسپارد و نشاط و سرزندگی رونق‌بخش سراسر آن سامان دیرپا بگردد. مردم سخت‌کوش و رنج دیده افغانستان بتوانند در پرتو همدلی‌ها، ویرانه‌ها را آباد سازند و سرسبزی را جانشین سرزمین‌های سوخته بگردانند. دشت و دمن را از مین‌های ویرانگر و مرگ‌زا پاک سازند و جایش دانه بیافشانند.

باز هم می‌خواستم بسیاری چیزهای دیگر برای آن مردم خوب آرزو کنم که آن عزیز با تشکری کوتاه خبری دردناک را داد و گفت:

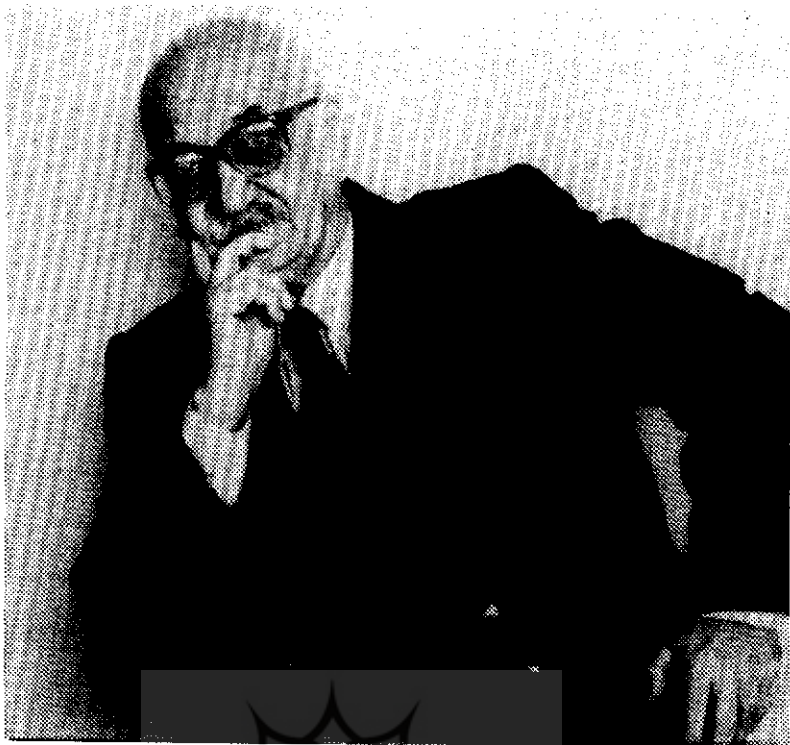
دیشب رادیو بی‌بی‌سی خبر داد که طالبان اعلام کرده‌اند برگزاری مراسم نوروز در افغانستان در منطقه‌های زیرنقوذ آنها ممنوع خواهد بود. این مراسم برخلاف آئین و شریعت اسلام است و ما اجازه نمی‌دهیم که کسی به برپا داشتن آن پردازد؟!

با شنیدن این خبر برای مدتی اندوهگین گشتم و احساس کردم که بغض گلویم را می‌فشارد. در اندوه شدم که این چه بیدادی است که بر مردم رنج‌دیده و بلاکشیده آن سامان روا می‌دارند. اگر به مناسبت جشن نوروز مدتی آتش‌بسی نداده‌اند، دست‌کم چرا نباید اجازه دهند در خارج از جبهه‌ها مردم با برپایی نوروز، کمی از رنج‌هایشان کاسته بشود و چهره‌های دژم‌گشته‌شان کمی گشاده گردد و بر سیمای کودکان و نوجوانانشان لبخند امید و زندگی شکوفا گردد.

غمین بودم از اینکه چگونه جمعی خردستیز و بسته‌اندیش به خود اجازه می‌دهند به نام پاک یزدان و دین و جانبداری از شریعت، این چنین با یکی از پرارزش‌ترین آئین‌های دیرپای جهان که در جزء جزء مراسم آن ارج نهادن بر جهان آفرینش و سپاس از آفریننده هستی را می‌توان دید، به ستیز برخیزند و میلیون‌ها انسان یزدان‌شناس و خدای‌جوی را به هرمان بکشند و جمعی را به شک وادارند و گروهی را به کفر گفتن وادار سازند.

در میان بیشتر باشندگان افغانستان رسم بر اینست که در بامداد نوروز، چون روز سیزده بدر از خانه بیرون می‌شوند و روانه دشت و صحرا می‌گردند و روز اول سال و جشن نوروز را در آغوش طبیعت آغاز می‌کنند. با سرمای زمستان وداع می‌گویند و با شادمانی به پیشواز بهار می‌روند. همه یکدل و یکرنگ در کنار هم سفره می‌گسترند و بی‌ریا هر چه دارند در میان می‌گذارند و با هم می‌خورند و می‌نوشند.

در هر گوشه آهنگی سر می‌دهند و خوش‌صدایان ترانه می‌خوانند و جوانان به دست‌افشانی می‌پردازند. از روزی که طالبان در جامعه افغانستان ظهور کرده‌اند، با هر چیز که نشانی از نشاط و



● دکتر پرویز درجاورد

سرزندگی، شادی و امید داشته باشد به ستیز برخاسته‌اند و به نام اسلام سازها را شکسته‌اند، صدای خوش را در حنجره‌ها خفه کرده‌اند و پایی را که خوش‌آهنگ و موزون به حرکت آمده شکسته‌اند. قلم‌نگاران را خردساخته و پیکره‌های تراشیده و استوار را که به دست هنرآفرینان شکل گرفته بودند، سرنگون ساخته‌اند. دوربین‌ها را شکستند و فیلم‌ها را به آتش کشیدند و عکس‌برداری را مانع شدند.

از دید آنان هر اثر هنری در قالب نقاشی، پیکرتراشی، فیلم و سینما، نمایش، عروسک‌گردانی، عکاسی، نواختن آهنگ، ترانه خواندن، همه و همه جزء مظاهر شیطانی قرار دارند و از نظر شریعت اسلامی حرام‌اند و باید نابود شوند؟!

زنان جز درون کیسه و در فضای بسته خانه در هیچ جا نباید حضور یابند، نه درس بخوانند، نه کار کنند، نه حمام بروند، نه خرید کنند و نه چشم کسی بر گوشه ابرو و تار مویشان بیفتد. زیرا که زن براساس شریعت اسلامی مورد قبول آنها موجودی است که فقط بنا به خواست مرد می‌توان در محدوده‌ای که همه شرایطش را او تعیین می‌کند جزئی موجودیتی بیابد. زن از دیدگاه شریعت آنها جادوگری است که اگر رخ عیان سازد و در کوی و برزن و بازار حضور بیابد، مردان را سحر می‌سازد و آنها را به راه شیطان می‌برد؟!

باری با شنیدن آن خبر یکباره بسیاری از برخوردهای سلطه‌گرانه و تجاوزگرانه ضدفرهنگی

طالبان که در طول مدت ناچیز حضورشان در صحنه افغانستان به مورد اجراء گذارده‌اند در نظرم مجسم گشت و از این همه ستمی که بر آن مردم صبور رفته است بر خود لرزیدم. ولی یکباره ذهنم به نکته‌ای متوجه گشت که از آن تلاطم رهايم ساخت. نکته آن بود که طالبان اگرچه تا به امروز به یمن اسلحه آمریکا، پول عربستان و حمایت ارتش پاکستان و نقشه‌های سازمان امنیت آن که هر دو میراثی از دوران سلطه انگلستان و ادامه آن دست پنهانی هستند، توانسته‌اند با بهره جستن از نارضایتی مردم از ناامنی، فقر، آوارگی و ادامه برادرکشی، بر بخش‌هایی از افغانستان از جنبه نظامی تسلط بیابند، ولی این بار با رو در رو گشتن با فرهنگ جامعه و تلاش برای تحمیل آنچه که با آن فرهنگ هم‌خوانی ندارد، خود را در ورطه‌ای انداخته‌اند که بی‌شک امید نجاتی در آن وجود نخواهد داشت.

به امید آنکه در نوروز ۷۸ به یاری یزدان پاک و پایمردی همه زنان و مردان جنگ و خونریزی در این سرزمین برادر پایان پذیرد و مردم سخت‌کوش افغانستان بتوانند شادمان و پای‌کوبان به رهبری خردمندانی که پاسداری از فرهنگ توانا و دیرپای این حوزه فرهنگی را رمز ماندگاری و افتخار ملی آن سرزمین می‌دانند، دوران سازندگی و سرفرازی را آغاز کنند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی